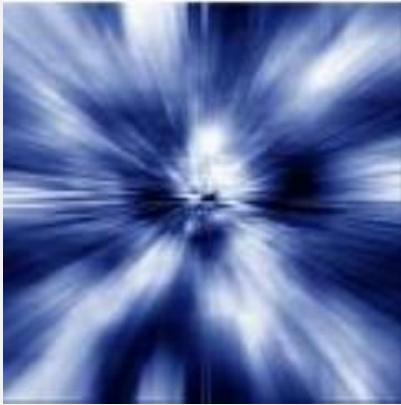


میزان بودن شهود انسان کامل

مشهود عرفا و اهل کشف، مختلف و چهار قسم است: نفسانی؛ شیطانی؛ ملکی؛ رحمانی. اختلاف نیز گاهی طولی و زمانی مابین است...



مشهود عرفا و اهل کشف، مختلف و چهار قسم است: نفسانی؛ شیطانی؛ ملکی؛ رحمانی. اختلاف نیز گاهی طولی و زمانی مابین است. در اختلافهای طولی، یا همه مشهودات صحیح است یا باطل؛ ولی در اختلافهای تباینی که بازگشت آن به تناقض است، حتماً یکی از مشهودات صحیح و دیگری باطل است، پس به میزانی احتیاج است که با آن، مشهود صادق و کاذب از هم تمییز یابند، چنان که در علم حصولی نیز به میزانی نیاز است که فهم درست از نادرست بازشناخته شود. میزان علوم حصولی این است که معلوم باید بین و بدیهی باشد؛ یا مبین باشد و به بدیهی ختم شود. در کشف و شهود نیز به میزانی نیاز است تا شهود صادق را از کاذب تفکیک کند، زیرا کشف و شهود نظری باید به کشف و شهود بدیهی پایان یابد و آن میزان، همان کشف و شهود معصوم (علیه السلام) است که به مثابه قانون اولی و بدیهی برای کشف و شهودهای غیرمعصوم است.

از سوی دیگر، کشف، زمانی تام و گاهی ناقص است که در این وضع نیازمند سنجش تمام و نقص است: گاهی مقتضی پدید آمدن رخدادی تلخ یا شیرین در عالم مثال منفصل مشاهده می‌شود و زمانی علت تام آن. در مورد کشف مقتضی، احتمال پدید آمدن مانع هست، چنان که در این مقطع سخن از بدا مطرح خواهد شد؛ ولی در کشف سبب تام که مورد بدا نیست، احتمال پدید آمدن مانع نیست، بنابراین اگر شاهد ملکوت انسانی معصوم نبود، باید برای اعتصام خود به سفینه نجات (کشف معصومانه انسان کامل) مراجعه و مشهودش را با کشف معصوم، تصحیح یا متمیم کند.

بزرگان جهان معرفت و شهود، کشفی را اطمینان‌آور می‌دانند که به کشف معصوم منتهی شود. میزان ارزیابی همه کشفها کشف انسان کامل معصوم است، چون انسان کامل معصوم با متن واقع ارتباط دارد و کشف او ملکی یا رحمانی است. کشف انسانهای دیگر، ممکن است باطل و از سنخ *وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِرَبِّهِمْ لَكَاذِبٌ مُّبِينٌ* (1) یا صحیح و از سنخ *وَمَا كَانَ لِنَبِّئِكَ أَنْ يَدَّبُّهُمُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا* او من ورائی *حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ* (2) باشد. برپایه این آیه هیچ انسانی شایسته نیست که خدا با او سخن گوید، جز از راه وحی یا از پشت حجاب یا فرستادن رسولی که به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند، زیرا او بلند مرتبه و حکیم است.

بر این اساس، چون القا دو سنخ (صحیح و باطل) است و در کشف عرفا نیز اختلاف راه دارد و در هر اختلاف تباینی، یکی حق است و دیگری باطل، چنان که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: *171#& ما اختلفت دعوتان إلا كانت إحداهما ضلالة* (3)، تمام مشهودات غیرمعصوم باید با کشف و شهود معصوم بازشناخته شود، پس میزان در کشف عرفا، کشف انسان کامل معصوم است. کیفیت ارجاع شهود مشوب به کشف سره و معصوم، برای همگان آسان نیست، چنان که علم بدیهی برای تشخیص صحت و سقم دانش نظری مرجع است؛ ولی ارجاع علم نظری به بدیهی، میسر همگان نیست، از این رو هنگام ارجاع گاهی غفلتی رخ می‌دهد، در نتیجه یکی از اقسام مغالطه، حجاب ارجاع صحیح می‌شود.

البته راه ارتباطی نظری به بدیهی، مستقیم و معصوم است و اگر رونده آن مسیر را درست ببیند، از خطا ایمن می‌ماند، از این رو قوانین منطقی را میزان عاصم نامیده‌اند، لیکن رونده گاهی هنگام سلوک به دام یکی از مغالطه‌ها می‌افتد و به خطا گرفتار می‌شود؛ اما این راه نهایی علاج شناخت صحیح است.

توضیح: معرفت اشیای جهان شدنی است، پس راه رسیدن به شناخت صحیح، حتماً هست و آن راه همواره مستقیم و از گزند اختلاف و آسیب تخلف، مصون است؛ یعنی اصل راه، معصوم است اما قوانین مدوّن منطقی بشری شاید مصون نباشد و به رغم حفظ کامل این قوانین و پیمودن آن راه بدون افزایش و کاهش، به نتیجه درست نرسد؛ ولی نباید اصل راه را انکار کرد؛ یا در عصمت آن تردید نمود، وگرنه هیچ مطلب نظری به یقین به بدیهی منتهی نمی‌شود، بلکه دائماً مشکوک می‌ماند. البته نباید قانون مدوّن منطقی را عین راه مستقیم میان نظری و بدیهی دانست؛ یعنی واقع خطا ندارد لیکن در تبیین متفکران منطق خطا رخ می‌دهد.

1. سوره انعام، آیه 121.
2. سوره شوری، آیه 51.
3. نهج البلاغه، حکمت 183.

تفسیر انسان به انسان، ص 95-98.